

۳۹

اکتبر

www.aktoberr.org

نشریه کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

s\_zijji@yahoo.se

سر دبیر: سلام زیجی

۷ ژوئن ۲۰۱۰

دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۹

کردیم. نوشته زیر تحت عنوان "چند درس بدیبهی تحولات سیاسی کنونی" از رحمان حسین زاده از این دست است. صحت احکام و نتیجه گیریهای این نوشته را وقایع یکسال اخیر تایید میکند. به همین دلیل نشریه اکتبر انتشار مجدد آن را لازم دانست. در بطن تجربه مهم یکساله اخیر، بر خلاف دوران اولیه گوش شنوا و عطف توجه به سیاست و موضع کمونیستی و کارگری در قبال کشمکش دو بخش سیاه و سبز بورژوازی بیشتر شده است. سرخهای این واقعیت امید بخش را در اول مه امسال دیدیم و گسترش هدفمند آن تا عروج جنبش متمایز طبقه کارگر در مقابل کلیت بورژوازی تماما در گرو سیاست و پراتیک کمونیستهای طبقه کارگر است. این روند را باید تقویت کرد.

سالگرد 22 خرداد، روز تولد یک جنبش بورژوازی سبز پوش

سالگرد 22 خرداد روز معرکه گیری "انتخابات" جمهوری اسلامی و سپس به میدان امن جنبش بورژوازی سبز نزدیک است. طرفین این کشمکش و جنبشها و جریانها و احزاب مختلف بنا به منفعت طبقاتی و سیاسی خود این واقعه را جمع بندی میکنند. ما هم همین را داریم به سرانجام میرسانیم. اما بدوا لازم است، حقایق را یادآور کرد که یکسال قبل و در فضای ملتهب جامعه و در دورانی که صدای ارتجاع سبز بالا بود، ما کمونیستها و بخشی از فعالین و رهبران کارگری و صدای متفاوت و متمایزی را نمایانگی

ص ۶

اکتبر

در بزرگ داشت یک انسان بزرگ و متفکر برجسته مارکسیست

علی مطهری

ص ۸



زنده باد گارد آزادی! به گارد آزادی پیوندید!

متن گفتگوی ویدیو بلاگ اکتبر با سلام زیجی در رابطه با

ص ۳

گارد آزادی

و در اختیار علاقمندان قرار گرفت. مناسب دیدیم در هفته حکمت با معرفی این آثار و نشان دادن تأثیرات تعیین کننده مباحث گرد آوری شده این دو جلد در شکل دادن به جنبش کمونیستی کارگری کردستان عراق و سپس عراق از ابتکار پرارزش دوستداران حکمت و کمونیستهایی که با پشتکار فراوان این اقدام را به سرانجام رساندند، قدر دانی کنیم.

ادامه در صفحه ۴

به مناسبت هفته حکمت

ادبیاتی که به کمونیسم

کارگری در عراق شکل داد

(معرفی دوجلد منتخب آثار منصور حکمت به زبان کردی)

رحمان حسین زاده

در اوایل سال 2009 دو جلد منتخب آثار منصور حکمت در کردستان عراق منتشر شد

خدا در آزمایشگاه

سیف خدایاری

را خلق کند. کریگ وینتر، دانشمند آمریکایی علوم ژنتیک که سرپرستی این تحقیقات را برعهده داشته، میگوید: «این دستاورد آغاز دوران جدیدی است که در آن اشکال حیات برای کمک به بشریت خلق خواهد شد. با استفاده از این کشف جدید می‌توان باکتری‌هایی خلق کرد که مواد سمی ناشی از سوخت‌های فسیلی در جو زمین را بمکد یا واکنش‌های موثرتری تولید کرد.»

دامه در صفحه ۵

روز جمعه 21 مه 2010 پرده از پدیده ای برداشته شد که انقلابی عظیم در تاریخ علم محسوب می شود. خلق سلول زنده در آزمایشگاه به روش کاملاً مصنوعی. گروهی از محققان به سرپرستی یک دانشمند آمریکایی توانسته است با استفاده از مواد شیمیایی بی‌جان ژنوم یک باکتری را ساخته و با گنجاندن آن در یک سلول، اولین نوع حیات به شکل مصنوعی

عرفان قانعی فرد: عامل دست پرورده جمهوری اسلامی ص ۹

جنایت دولت اسرائیل علیه حامیان مردم غزه ص 10

زنده باد کارگران بنادر سوئد ص 10

گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان گزارشی از چند مرکز کارگری ص ۷

کنگره علنی حزب حکمتیست

مصاحبه کمونیست هفتگی با کورش مدرسی

کمونیست هفتگی: اطلاعیه حزب اعلام کرده است که کنگره آتی حزب حکمتیست علنی برگزار خواهد شد. دلیل علنی بودن این کنگره چیست؟ با توجه به این که دو کنگره قبلی علنی نبود، آیا سیاست حزب در مورد برگزاری کنگره ها تغییر کرده است، یا تشکیلات حزب دستخوش دگرگونی بخصوصی شده است، و با شرایط سیاسی امروز علنی بودن کنگره را ایجاب کرده است؟

کورش مدرسی: سیاست حزب در مورد برگزاری کنگره هایش تغییر نکرده است. یک حزب مخفی در ایران نمیتواند، بطور روتین، کنگره هایش را علنی برگزار کند. در این مورد خاص، دلیل برگزاری علنی کنگره سیاسی است. و این تصمیم کاملا موردی و استثنائی بوده است.

همانطور که در اطلاعیه حزب آمده است، تحولات اخیر سیاسی در ایران و همینطور تمرکز شدید دستگاه های اطلاعاتی جمهوری اسلامی و جنگ روانی که حکومت ایران علیه حزب ما براه انداخته است، طی دو سال گذشته، موقعیت ویژه ای بوجود آورده است که برگزاری علنی کنگره را مطلوب میکنند. جمهوری اسلامی تلاش کرده است تا با تمرکز دستگاه های اطلاعاتی بر روی حزب ما و فعالین آن، و با براه انداختن جنگ روانی و پخش شایعات در مورد حزب ما، فضای از عجبی در ایران ایجاد کند. بعلاوه تحولات اخیر ایران و موضع متمایز حزب حکمتیست، سمپاتی ها، آنتی پاتی ها و کنجکاوی های زیادی را حول حزب شکل داده است.

کنگره علنی امکانی را فراهم میکند تا از یک طرف ارباب جمهوری اسلامی پاسخی بگیرد و از طرف دیگر فرصتی فراهم شود تا کسانی که علاقمند هستند بتوانند رهبران و فعالین حزب مقیم خارج کشور را ملاقات کنند، بر آنها تأثیر بگذارند و تأثیر بگیرند. انعکاس مباحث و جدل های کنگره میتواند توجه رهبران و فعالین کمونیست در طبقه کارگر را بیشتر به حزب جلب کند. کنگره علنی تلاشی است تا در سطح وسیعتری جنبش کارگری در مقابل کل جنبش بورژوازی، خود آگاه تر و برجسته تر ظاهر شود. ادامه در صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری

## زنده باد گارد آزادی...

ارسال گزارش و اخبار از مزدوران و مهره های رژیم که مردم را اذیت میکنند، مشکلات برای جامعه پیش می آورند در هر شهر و محله و روستا و مراکز فراهم گردد، آمار و مشخصات آنها را بگیرند و برای ما بفرستند.

کاری کنند در بخشهای مختلف جامعه ارتباط برقرار کنند برای نمونه بحث مسئله زنان را مطرح کردم لازم است واحدهای گارد آزادی در میان دختران و زنان وسیعاً تشکیل شود. برای دفاع از حقوق و منافعشان لازم است در مدارس و دانشگاهها و محلات تشکیل شود. در کارگاه و مراکز کارگری و سایر نهادهای اجتماعی تشکیل شود. در کنار اینها یکی دیگر از کارهای مهم این است که واحدهای گارد آزادی ما را از اخبار اتفاقات و رویدادهای جامعه آگاه کنند. گزارش بفرستند. و همیشه ارتباط منظم خود را با ما حفظ کنند.

در آخر بگویم که بخشی از واحدهای گارد آزادی در کردستان که ما بیشتر بطور روشن و شفاف توضیح داده ایم که چرا بخشی از واحدهای گارد در کردستان لازم است مسلح باشند و زمینه مسلح شدن خود را فراهم کنند، از اینرو من تأکید دارم که این دسته از واحدها که ظرفیت و امکان این کار را دارند حیاتی است به این بخش از کار خود توجه جدی داشته باشند یعنی از همین حالا لازم است از هر لحاظ از نظر دانش نظامی، توانایی و هوشیاری امنیتی و آگاهی در مقابله با اقدامات امنیتی و مسلحانه رژیم کیفیت کار خود را بالا ببرند و با این آگاهی کامل دست به سازمان دادن خود ببرند. راهای مسلح شدن خود را پیدا کنند. با ما در ارتباط باشند. برای اینکه در موقع و زمان مناسب اگر لازم شد به صورت مسلحانه نیز حضور پیدا کنند و در زمان مناسب توان و ظرفیت نظامی خود را نیز به رخ دشمنان مردم و دشمنان آزادی خواهی و برابری طلبی بکشند، باید اولاً از جانب ما آموزش لازم داده شده باشند و ثانیاً بدون اطلاع ما نباید هیچ نوع حرکت و فعالیتی در شکل علنی و مسلحانه داشته باشند. این اقدامات و وظایف نخست و اصلی این بخش از واحدهای گارد آزادی میباشد.

من در آخر دوباره تأکید میکنم که برای عملی شدن تمامی این اقدامات بسیار لازم است که ما گارد آزادی را در سطح وسیع تروهمه گیرتر به مردم معرفی کنیم. باید این را توجه کرد که بزرگترین و مهمترین راه بالا بردن امنیت واحدهای گارد آزادی و گسترش واحدهای گارد آزادی، محبوب بودن و توده ای بودن گارد آزادی است.

باید کاری کرد که در آینده و در تحولات سیاسی آینده ایران هیچ کهنه پرستی، چه مذهبی و چه قومی، نتواند به منافع و حقوق آزادی های ما دست درازی کند به حقوق زنان دست درازی کند به حقوق کودکان تعرض کند، امنیت جامعه و آزادی را به مخاطره اندازد. تمام مبارزه و خواست و منافع و حقوقی که برایش می جنگیم خون می دهیم، برایش زحمت می کشیم اگر بخواهند با سرکوب با دروغ و حقه و از راه مذهبی و قوم پرستی بخواهند دستاوردهایمان را از ما بگیرند باید کارگران و آزادیخواهان از چنان قدرت و امکانی برخوردار باشند که همه این قماش ضد آزادیخواهی را پس بزنند. با ایجاد هر تک واحدی یک سنگر ایجاد کرده ایم و چنانچه این سنگرها را در ابعاد میلیونی تأمین کنیم و گسترش دهیم، کل جامعه ایران و کردستان را به سنگر دفاع از مردم و امنیت جامعه و دفاع از آزادی و برابری تبدیل خواهیم کرد. زنده باد گارد آزادی! به گارد آزادی بیورندید! ###  
(متن این گفتگو توسط غفور زرین پیاده شده است)

۱۷ خرداد ۸۹

تبادل نظر سالم و سازنده میان نمایندگان و میهمانان، تأثیر گذاشتن و تأثیر گرفتن، چه در جلسات کنگره و چه در تماس های میان افراد در خارج جلسات، بخصوص قبل و بعد از کنگره از طریق ارتباط با رهبران و فعالین کمونیست در طبقه کارگر، و تبادل نظر در مورد مبرم ترین مسائل جنبش طبقه کارگر را باید از جمله این اهداف و شاخص ها به حساب آورد.

**کمونیست هفتگی: برخی معتقدند که عروج جنبش سبز و رفتن بخش اعظم اپوزیسیون به دنبال آن، توجه به آلترناتیو کمونیستی در جامعه ایران، برنامه ها و کنگره ها و نشست های آن، را تضعیف کرده است؟ آیا حقیقتی در این ادعا هست؟**

کوروش مدرسی: من این طور فکر نمی کنم و شواهد هم آن را نشان نمی دهد. ملحق شدن تقریباً کل احزاب و جریاناتی که به خود چپ میگویند به جنبش سبز، جاری، با توده ای اخیر و تفاوت های ما با آنها خود یکی از موضوعات مهم این کنگره است. این موضوعی در حاشیه نیست، مرکز توجه جامعه است.

آلترناتیو کمونیستی و کارگری در جامعه ایران در پاسخ به شرایط حاضر، مسئله ای که جامعه، مهم نیست در چه طول و عرضی، قامت آن را در حزب ما دیده است نه ضعیف است و نه مورد کم توجهی همگان. از این لحاظ تمرکز بحث های کنگره بطور اخص بر ضرورت فوری انقلاب کارگری و چگونگی تدارک عملی آن، میتواند توجه بسیاری از فعالین کارگری، کمونیست ها و آزادیخواهان و حتی مخالفین حزب ما را به خود جلب کند.

بعلاوه رفتن چپ، با کمونیسم بورژوازی، به دنبال بستر اصلی بورژوازی، از یک طرف فضا را پلاریزه کرده است و از طرف دیگر بطور اخص طبقه کارگر و حزب ما را در مقابل کله اردوی بورژوازی (بستر اصلی تا کمونیسم بورژوازی)، برجسته تر کرده است.

این واقعیت دارد که الحاق تمام و کمال این کمونیسم بورژوازی به ضد انقلاب بورژوازی، فضای محدود تری را برای هر نوع انقلابی گری عمیق به وجود آورده است. در این رویداد ها بورژوازی ناراضی ایران، بخصوص آنچه که نام اپوزیسیون را بر خود نهاده، فضا را بر انقلابی گری کارگری تنگ کرد. و بخش مهمی از جمعیت جوانان انقلابی و جنبش رهائی زن را، که میتوانند تحت پرچم و آلترناتیو طبقه کارگر برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین آزادی و برابری متحد و متشکل مبارزه کنند، را به آلترناتیو بورژوازی جلب کرد. اینها همه طبقه ما و انقلاب ما را در موقعیت ضعیف تری قرار داده است.

اما موج برگشت فی الحال شروع شده است. نمود های آن را بخصوص در تحرکات درونی طبقه کارگر حول اول مه و در مبارزات جاری طبقه کارگر و همچنین در شکستن توهم و یا ایجاد سوال در صفوف توده جوانان و زنان انقلابی را میتوان دید. این روند به همت کمونیست ها و طبقه کارگر، و بخصوص حزب حکمتسیت، میتواند تماماً علیه بورژوازی در پوزیسیون یا اپوزیسیون برگردد. طبعاً تحقق این روند نیازمند تلاش بسیار گسترده در عرصه سیاسی، فکری، فرهنگی و تشکیلاتی است. کنگره ما هم در همین متن باید قرار گیرد و با همین معیار باید ارزیابی شود.

## کنگره علنی حزب حکمتسیت ...

طبعاً برگزاری کنگره علنی، چه در رابطه با نمایندگی تشکیلات ما در ایران و چه در ارتباط با بحث هایی که کنگره باید به آنها به پردازد، محدودیت ها و مشکلاتی را ایجاد میکند که سعی داریم، حتی امکان، به شیوه های دیگر آن را جبران کنیم.

**کمونیست هفتگی: با توجه به مسئله اینترپل، که ما اخبار آن را در شماره های مختلف کمونیست منعکس کرده ایم، آیا علنی بودن کنگره، بطور مستقیم یا غیر مستقیم خطری متوجه این حزب و شرکت کنندگان در کنگره نخواهد کرد؟**

کوروش مدرسی: پروژه اینترپل، که از طرف دستگاه اطلاعاتی جمهوری اسلامی نام "جهاد حقوقی" بر آن گذاشته شده است، بطور واقعی در خارج کشور، و بویژه در اروپا و آمریکا بردی ندارد. با این وجود ما چه از نظر امنیتی در محل و چه از نظر انعکاس هویت کسانی که در این کنگره شرکت میکنند، اقدامات لازم را خواهیم کرد تا کمترین تهدیدی متوجه کسی نشود. تأمین امنیت شرکت کنندگان در کنگره اولویت مطلق ماست. ما اطمینان میدهم که دست جمهوری اسلامی در این زمینه بسیار کوتاه تر از آن است که بتواند کمترین مانور امنیتی - اطلاعاتی در مورد کنگره علنی ما براه اندازد.

**کمونیست هفتگی: انتظاراتان از این کنگره چیست؟ با چه شاخصی میتوان موفقیت آن را اندازه گرفت؟**

کوروش مدرسی: اندازه گیری موفقیت کنگره میتواند شاخص های متعددی داشته باشد. اولین شاخص این است که رهبری حزب بتواند این کنگره را نه تنها به عنوان یک ابزار وجود علنی قدرتمند، بلکه به عنوانی اجلاسی که مهمترین مسائل سیاسی ایران و فعالیت حزب را مورد بررسی قرار میدهد و اسناد لازم را به تصویب میرساند، برگزار کند. کنگره برای ما تنها نمایش قدرت نیست. مجمع هم نظری نمایندگان و تصمیم گیری در مورد مبرم ترین مسائل انقلاب کارگری در ایران است. این هدف به هیچ وجه نباید به دلیل علنییت کنگره مخدوش شود.

در همین رابطه رهبری حزب تلاش دارد که بیشترین امکان بحث و تبادل نظر را پیش از کنگره و از طریق مکانیسم های تشکیلاتی، و بویژه از طریق کمیته های حزبی، برای تشکیلات ها فراهم کند. بخش زیادی از آنچه که در کنگره های روتین غیر علنی میتوانست در سالن کنگره انجام شود، اینجا باید در پلنوم کمیته مرکزی و در جلسات کمیته ها انجام شود تا همه نمایندگان بتوانند با آمادگی در این کنگره شرکت کنند. برای رهبری ما تدارک مضمونی کنگره و وظایف زیادی را پیش پا میگذارد.

شاخص دیگر درجه شرکت میهمانان در کنگره است. گرچه ما فضای محدودی داریم و تعداد صندلی برای میهمانان محدود است. اما تلاش برای تشویق تعداد هر چه بیشتری از میهمانان برای شرکت در کنگره، یک جنبه مهم تدارک کنگره است. رسیدن به این هدف پیش از هر چیز فضای اعصاب جمهوری اسلامی را خنثی میکند و بالاخره فضای کنگره و فراهم آوردن امکان

نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

## زنده باد گارد آزادی! به گارد آزادی پیوندید!

(متن گفتگوی ویدیو بلاگ اکتبر با  
سلام زیجی در رابطه با گارد  
آزادی)

سهیلا ترکیه: با سلام خدمت بینندگان عزیز. ما در نشست کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست هستیم. گفتگوی با رفیق سلام زیجی مسئول گارد آزادی حزب در کردستان داریم که توجه شما را به آن جلب می‌کنم. اولین سؤال من این است که مدتی است فعالیت گارد آزادی در کردستان محدود شده است، لطفاً برای ما و بینندگان توضیح دهید دلیل این محدودیت چیست؟

سلام زیجی: به از لحاظی فعالیت گارد محدود شده است و از لحاظی نشده است. باید دید که ما چگونه و با چه دیدی به گارد آزادی نگاه می‌کنیم و انتظار "فعالیت" از آن داریم. اگر ما تنها از زاویه شکل علنی- مسلحانه و علنی- تبلیغی انطور که در چند سال اخیر صورت گرفته است به فعالیت های گارد آزادی نگاه کنیم، گارد آزادی را یک بعدی خواهیم دید و این درست نیست. درست است گارد آزادی مدتی است که این شکل از فعالیت نداشته است، به دلیل اوضاع سیاسی منطقه و کردستان آگاهانه تصمیم گرفتیم در این دور شکل علنی و یا حضور مسلحانه آنرا از دستور خارج و یا محدودتر کنیم. اما اساس فعالیت گارد آزادی که باید آن را فراتر از این جنبه از فعالیت علنی دید، کماکان سر جا خودش باقی است و هم اکنون در جریان است. بخش عمده فعالیت های گارد آزادی مربوط می‌شود به کار ملیتانت، فعالیت سیاسی، امر سازماندهی دراز مدت خود. قسمت علنی و مسلحانه آن، تنها بخشی از سازمان و فعالیت گارد آزادی است و نباید با عدم اظهار وجود در این بخش، مهمترین بخش کاری دیگر آنرا فراموش کرد. در نتیجه به دلیل اوضاع سیاسی بخش علنی آن را آگاهانه محدود کرده ایم، اما کار و فعالیت های گارد آزادی به شیوه های مختلف در شهرهای کردستان ادامه دارد.

سهیلا ترکیه: رفیق سلام زیجی اگر ممکن است لطفاً همین جا خلاصه ای از اهداف گارد آزادی را توضیح بدهید؟

سلام زیجی: ما قبلاً در مورد اهداف

گارد آزادی توضیحات روشن داده ایم. گارد آزادی بخش تفکیک ناپذیر جنبش طبقه ما، طبقه کارگر ایران و کردستان است. بازوی مسلح آن طبقه و یکی از ابزارهای دفاع از آزادی و امنیت جامعه و طبقه کارگر و خیزش آن طبقه برای کسب قدرت سیاسی می‌باشد. نیروی متعلق به جنبش آزادی خواهانه و برابری طلبانه ایران و کردستان است؛ گارد آزادی برای این تشکیل شده که از حالا سنگری باشد برای دفاع از منفعت و خواست کارگران و زحمتکشان و علیه ارتجاع و کهنه پرستی در جامعه مبارزه کند؛ علیه دست درازی های جمهوری اسلامی علیه مردم فقیر و زحمتکش مبارزه کند؛ با اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی از جمله علیه اعدام و سنگسار و زورگویی و قلداری جمهوری اسلامی مقابله کند. سازمان گارد آزادی اساساً تلاش میکند حول این اهداف شکل بگیرد و خود و جامعه را علیه این رویداد های جنایتکارانه بسیج کند، تشویق کند و سازمان دهد. باید تلاش کند علیه فرهنگ و سنن مذهبی و قوم پرستی که احزاب و بورژواها در راستای منافع ضد مردمی خود به آن دامن می‌زنند جامعه را نسبت به آن حساس تر کند. جریانات قومی و دینی با دامن زدن به خرافات و دروغ پردازیها دشمن تراشی بین مردم منطقه را باد میزنند. زیر این نام خیلی از حقوق مردم پایمال می‌شود. چهار چوب اهداف گارد آزادی در اصل برای این است. ما بر این باوریم که طبقه کارگر و حزب کمونیستی آن به نیروی ملیتانت و مسلح توده ای و قدرتمند خود احتیاج دارد که از منافع طبقه خود دفاع کند و دست تعرض کهنه پرستان و ارتجاع علیه زنان، کودکان، آزادی و تشکلهای کارگری راکوتاه کند.

تجربه سی سال حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی، عراق و رفتار نیروهای ضد مردمی قومی و دینی نیاز و ضرورت گارد آزادی را که میلیس توده ای کارگران و زحمتکشان است، به یک امر بدیهی ما و جنبش ما تبدیل کرده است. در نتیجه هدف اول و کلی گارد آزادی برمیگردد به آماده سازی خود برای تحولات آینده و دوره پرتلاطمی که پیش رو داریم. فعالیت های خود را با این دورنما و استراتژی باید سازمان داد و گسترش پیدا کند.

سهیلا ترکیه: در حد امکان توضیحی بدهید در رابطه با اینکه چگونه یک واحد گارد آزادی میتواند شکل بگیرد و سازماندهی شود؟

سلام زیجی: در همان چهار چوبی که گفتیم گارد آزادی چیست، هر جوان مبارز، هر زن و مرد مبارز و انقلابی، هر انسان زحمتکش و انقلابی بخواهد علیه این وضعیت باشد؛ بخواهد علیه جمهوری اسلامی باشد؛ بخواهد علیه فرهنگ زن ستیز باشد؛ علیه پایمال شدن حقوق کودکان باشد؛ علیه اعدام و کشت و کشتار باشد و علیه ملیتاریزه شدن جامعه باشد می‌توانند دور هم جمع شوند و واحدهای گارد را ایجاد کنند. هر تعداد معینی از این دسته از انسانهای آزادیخواه که هم هدف می‌باشند می‌توانند با هم یک واحد گارد آزادی را تشکیل بدهند. انطوری که گفتیم گارد آزادی عبارت است از سنگری و سازمان کسانی که وضعیت موجود را قبول ندارند و می‌خواهند آنرا دگرگون کنند. تصمیم دارند علیه آن بایستند و در دفاع از حقوق و منافع و حرمت و آزادی مردم برای خود وظیفه ای تعریف میکنند.

کسانی که در این زمینه ها با هم توافق دارند و هم نظر هستند بدون درنگ و با در نظر گرفتن وضعیت امنیتی در ایران فوراً با ایجاد یک واحد شکل سازمانی و هدفمند به فعالیت خود بدهند. روشن است که افراد تشکیل دهنده هر واحد باید در پیوندها و روابط طبیعی که مدتها است با همدیگر دارند این واحدها را تشکیل دهند. کمیت آن از 3 تا 5 و 6 نفره خواهد بود. این جمع در بین خود یک نفر مسئول انتخاب می‌کنند و با تماس گرفتن با ما می‌توانند فعالیت های خود را رسماً شروع کنند. یعنی تمام کسانی که در این چهار چوب که بطور فشرده به آن اشاره کردم خود را شریک و همسو می‌دانند در سازمان گارد جای خواهند گرفت و با فعالیت و عضویت در یکی از واحدهای گارد آزادی در محل کار و زیست به عنوان عضو و فعال گارد آزادی رسماً فعالیت خود را شروع خواهد کرد.

سهیلا ترکیه: رفیق سلام در نشست اخیری که داشتید چه تصمیماتی در مورد گارد آزادی گرفته اید یا چه مجموعه وظایفی را در دستورکار گارد آزادی گذاشته اید؟

مبارز، هر زن و مرد مبارز و انقلابی، هر انسان مبارز و انقلابی امر تبلیغ و معرفی گارد در جامعه و ضرورت تشکیل گارد آزادی را تبلیغ کنیم. بسیار ضروری است که در تمام شهرها و روستاها، در تمام محلات شهر، در مراکز کارگری و آموزشی و همچنین پادگانها گارد آزادی تبلیغ و تشکیل شود. به نظرم تلاش برای تحقق کامل آن بزرگترین و اصلی ترین وظیفه هر مدافع گارد آزادی می‌باشد. در نشست امروز بر ایجاد عملی این واحدها در هر شهر و روستا و مراکز کار و سربازخانه ها تاکید شد. ایجاد واحدهای جدیدتر و گسترش آن وظیفه دوم و محوری ما محسوب میشود. واحد های گارد لازم است حول آن اهداف و سیاستی که توضیح دادم از لحاظ سیاسی و آگاهی به نقش و وظایف خود بیش از پیش واقف و متعهد باشند. لازم است آشنا تر شوند به اینکه چرا واحد گارد آزادی تشکیل می‌شود. مسئله این است که در این زمانه همیشه متأسفانه این خطر موجود است که هر جا بحث گارد آزادی و واحد مسلح آن پیش آید، بحث سنت قدیمی پیشمرگ و از این قبیل مفاهیم در ذهنها تداعی می‌گردد و فضا و سنت جاری این عرصه در کردستان نیز به این تصورات، که هیچ ربطی به میانی و سنت گارد آزادی ندارد کمک خواهد کرد. گارد آزادی هیچ ربطی به شیوه کار پیشمرگانه و اینکه مسلحانه بروی توی مرز، شلیکی بکنی و برگردی ندارد. گارد آزادی که در محل زیست و کار و زیست به در بطن مبارزه سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرد و سازمان پیدا می‌کند از هر نظری با سنت مسلحانه رایج کنونی پیشمرگانه و بربط به جامعه متفاوت است!

آگاهی و خصوصیت ضد سرمایه دار بودن گارد آزادی نه تنها در میانی و اهداف کلی که در پراوتیک روزمره و اجتماعی آن یکی دیگر از خصلتها و وظایف مهم گارد آزادی محسوب میشود. باید تلاش کرد که واحدهای گارد آزادی در تقابل با فشار و ظلم و زور و عوامفریبی های جمهوری اسلامی در جامعه آگاهی و متحد تر عمل کنند. در مقابل نظام سرمایه داری آگاهی بشوند. تمام بدبختی های که بر سر جامعه می‌آید و تحمیل میکنند ناشی از حاکمیت و منافع این سیستم ضد بشری است. درست است که حکومت جمهوری اسلامی وسپاه پاسداران و بسیج و اطلاعات و سایر دم و دستگاههای سرکوبگر جمهوری اسلامی علیه ما مردم بسیج شده اند. اما خود اینها هم دولت و نگهبان و بازوی مسلح یک حکومت سرمایه داری هستند که این حکومت به وسیله این نیروهای نظامی حراست میشود و جامعه معترض را سرکوب می‌کند. ادامه در صفحه ۲

نه قومی، نه اسلامی، مرگ بر جمهوری اسلامی

هفته حکمت....

سالار رشید مبتکر اول این اقدام مهم در مقدمه ای که در جلد اول منتشر شده است، نوشته است. "به دنبال تلاش و زحمات فراوان بیش از یک سال و نیم، توانستیم برای اولین بار، تقریباً تمامی ادبیات منصور حکمت که به زبان کردی ترجمه شده اند، از این سایت و آن سایت، از میان جزوات و نشریات مختلف، در کردستان و خارج کردستان گردآوری کنیم، مجدداً آنها را تایپ کنیم و همه آنها را مجدداً ادیت کنیم تا به شکل فعلی در اختیار خوانندگان و مبارزین سیاسی به طور کلی و کارگران و فعالین کمونیست به ویژه قرار بگیرد. بیگمان این ادبیات در مبارزه و فعالیتشان به ابزاری کارا و موثر و انرژی بخش تبدیل میشود"

دو جلد منتخب آثار حکمت به زبان کردی شامل 52 مبحث از میان انبوه مباحث تئوریک، سیاسی، برنامه ای، سبک کاری و سازمانی منصور حکمت است. این مجموعه با مبحث تئوریک مهم "افسانه بورژوازی ملی و مترقی" که اولین بار بخش یکم آن در تابستان 1979 منتشر شده، آغاز میشود و با مباحث "دنیای بعد از 11 سپتامبر" و سه سخنرانی کوتاه پالتاکی او در پایان سال 2001 که در واقع آخرین اثرات فعالیت سیاسی این انسان بزرگ است، به پایان میرسد. مطالب آغاز و پایان منتشر شده در این دو جلد به نحو سمبلیکی خود گویای فاصله زمانی حیات سیاسی پریار منصور حکمت به عنوان رهبر مارکسیست دو دهه پایانی قرن بیستم و اوضاع نشان دهنده نقش مستقیم کمونیسم حکمت در شکل دادن به جنبش کمونیستی و کارگری در کردستان عراق و سپس کشور عراق در این دو دهه است. این تاثیر گذاری مستقیم به ایجاد سازمانها و نهادها و محافل کمونیستی و سپس نزدیک شدن و اتحاد آنان منجر شد که در ماه جولای سال 1993 حزب کمونیست کارگری عراق را تشکیل دادند.

ترجمه و گردآوری و انتشار این مباحث را نباید صرفاً همچون انعکاس توجه و علاقه چند نفر کمونیست دوستدار منصور حکمت دید که گویا در یک مقطع زمانی کوتاه تصمیم گرفتند، تا دو جلد کتاب مارکسیستی را به گنجینه ادبیات مارکسیستی موجود اضافه کنند. بلکه علاوه بر آن تک تک مطالب

گردآوری شده به دلیل نیاز کمونیستهای کردستان عراق و سراسر عراق به تئوری و سیاست کمونیستی در مبارزه طبقاتی رشد یابنده جامعه از اوایل دهه هشتاد میلادی در میان کمونیستهای کردستان عراق به عنوان سلاح برنده مبارزه کمونیستی در میان آنها جا باز کرد. فضای فکری و سیاسی و مبارزاتی جریانات و گروهها و محافل مارکسیستی را تحت تاثیر قرار داد. برای هر کس که مثل من این شناس را پیدا کرده باشم، پای صحبت تعداد قابل توجهی از رهبران و فعالین کمونیست کارگری در کردستان عراق و عراق نشسته باشم، بازگویی ابعاد متنوع و پر جنب و جوش و پرکار و پر از خطر و ریسک به دست آوردن ادبیات کمونیستی منصور حکمت در دل اختناق سیاه و بیسابقه رژیم فاشیست بعث و صدام خود داستان شنیدنی است. در این بازگویی رهبران و فعالین کمونیست و چپ اوایل دهه هشتاد میلادی کردستان عراق تعریف میکنند، با درک ماهیت ناسیونالیستی و پوپولیستی و بورژوازی حزب شیوعی عراق (حزب برادر حزب توده ایران) و کومه له ره نچده ران کردستان عراق به عنوان دو نیرویی که در عراق و کردستان خود را "چپ و کمونیست" مینامیدند، در جستجوی آلترناتیو کمونیستی متعلق به جنبش طبقه کارگر و مردم زحمتکش بودند. در این راستا تحولات چپ و کمونیسم ایران بعد از انقلاب 1979 را تعقیب میکردند. دستیابی به "افسانه بورژوازی ملی و مترقی" و به دنبال آن ادبیات عمیقاً مارکسیستی و زیر و رو کننده منصور حکمت توجه آنها را جلب میکند. برای تعریف میکنند از آن تاریخ به بعد با چه سر عتی کتابها و جزوات و مطالب حکمت را در نسخه های محدود به دست می آورند و شب و روزهای فراوان و توسط جریانات و محافل کمونیستی و فعالین متعدد و بنا به امکانات محدود شرایط فعالیت زیر زمینی به دست نویسی و کپی کردن و باز تکثیر و پخش آن در میان محافل چپ و کمونیستی مشغول میشوند. برای تعریف میکنند، چگونه ساعتی فراوان رادیو صدای انقلاب ایران آن زمان (رادیوی کومه له در کردستان ایران به زبان کردی) را و به ویژه برنامه ویژه "درسهای مارکسیسم" را گوش میدادند، تا ادبیاتی که از منصور حکمت پخش میشود را ضبط کنند و سپس آن را پیاده و مکتوب کنند، به تکثیر آن بپردازند و ترجمه به زبان عربی را شروع کنند و آن را به دست کمونیستهای مشتاق در سراسر عراق برسانند. (همین جا اشاره کنم دو سال

قبل آثار منتخب یک جلدی منصور حکمت به زبان عربی منتشر شده است). برای تعریف میکنند حول این مباحث چه تعداد بیشتر سمینارها و جلسات مباحثه سیاسی در میان طیف وسیع چپ آن هم در شرایط فعالیت مخفی را سازمان دادند و یک جنبش آگاهگری وسیع مارکسیستی راه انداخته شد. برای تعریف میکنند که چگونه حول مارکسیسم انقلابی و سپس کمونیسم کارگری منصور حکمت صف بندیهای جدید و جریانات چپ و کمونیستی نوین شکل گرفتند، که قطب رادیکال جامعه را نمایندگی کنند. برای تعریف میکنند که از طریق این جریانات چگونه ادبیات کمونیستی حکمت به محیط های کارگری، روشنفکری و دانشگاههای کردستان عراق و سراسر عراق از سلیمانیه و اربیل و کرکوک و راییه و قلعه دزی گرفته تا بغداد و ناصریه و بصره و موصل و ... راه پیدا کرد، به نحوی که حساسیت رژیم فاشیستی بعث را برانگیخت و به عنوان ادبیات ممنوعه دارندگان آن سر از زندان در میاوردند. تنها به عنوان نمونه با برچیده شدن بساط رژیم بعث در کردستان عراق، بیشترین زندانی سیاسی آزاد شده در مارس 91 از زندان شهر سلیمانیه کمونیستهای هم خط منصور حکمت بودند. از مارس 1991 و با برچیده شدن حاکمیت فاشیستی رژیم بعث در کردستان عراق شرایط جدیدی برای ابراز وجود کمونیستها بوجود آمد و ما شاهد شکل گیری و عروج جنبش شورایی کردستان عراق با پرچم آزادی و برابری و آشکارا متأثر از سیاستهای منصور حکمت بودیم، به نحوی که جلال طالبانی رهبر اتحادیه میهنی و رئیس جمهوری فعلی عراق در یکی از سخنرانیهای علنی خود در سال 1992 عروج جنبش شورایی و کمونیسم و رادیکالیسم در کردستان را به پای منصور حکمت نوشت. در ادامه این روند، پیدایش جنبش رادیکال بیکاران و جنبش سوسیالیستی و برابری طلبانه زنان و جنبش ایجاد تحزب کمونیستی و سرانجام ایجاد حزب کمونیست کارگری عراق در جولای 1993 مستقیماً تاثیر گرفته از همین ادبیات مارکسیستی حکمت بود. ناگفته نماند از سال 1991 بیعد با به وجود آمدن امکان ارتباط فشرده و عملی و مستقیم رهبران کمونیست در عراق با منصور حکمت تحولات جنبش کمونیستی و کارگری در عراق وارد مرحله جدیدی شد. بازگویی فشرده این روند، به ما نشان میدهد 52 مبحث گردآوری شده منصور حکمت در این دو مجلد، انباشته از تاریخ تحولات مهم و تعیین

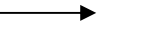
کننده در جامعه عراق و کردستان است. انبوه کلمات، عبارات و جملات ظاهراً ساکت و بیجان سیاه روی سفید نوشته شده در 1191 برگه دو جلد سرخ برگ آثار منتخب منصور حکمت در پراتیک سیاسی و اجتماعی زبان رسای حلق طلبی کمونیستی بوده که کارگر و انسان دردمند جامعه عراق و کردستان عراق در طی دو دهه علیه نظم سرمایه و دولتها و جریانات مدافع آن در کمپ ناسیونالیسم عرب و کرد و جریانات مذهبی به آن متکی بوده اند. مجموع نوشته های این دو مجلد هر کدام و در مجموع مهر تاریخ یک مبارزه انقلابی را به خود دارند، که نسل کمونیستی این جامعه در دو دهه گذشته آن را چراغ راهنمای خود قرار داده است. اما نکته قابل توجه اینست علاوه بر نسل دوره گذشته، همانطور که سالار رشید اشاره کرده است نسل چپ و فعالین کارگری و کمونیست دوره جدید در عراق و کردستان عراق کماکان میتوانند این دو جلد آثار حکمت را به عنوان اهرم نیرو بخش مبارزه طبقاتی پیش رو به دست بگیرند. چون جنبش کارگری و کمونیستی به تئوری و سیاست و رهبری انقلابی و کمونیستی نیازمند است.

سالار رشید و همکارانش کار با ارزش گردآوری و انتشار آثار حکمت را الزاماً به مناسبت هفته حکمت شروع نکردند، اما من به سهم خود این اقدام بالارزش آنها را به عنوان هدیه ای گرانبها در هفته حکمت امسال ارج میگذارم و برای سالار رشید و همکارانش آرزوی موفقیت دارم.

ژوئن 2010  
\*\*\*  
این کتابها در کتابخانه هاوالاتی در ختایان مولوی در سلیمانیه قابل دسترس میباشد



زنده باد سوسیالیسم!



## خدا در ....

این پدیده علمی نیز مانند تمام داستان علم از یک فرایند تکاملی عبور کرده است. علاوه بر تحقیقات دانشمندان قبل از کریگ، او از سال 95 بصورت حرفه‌ای و تمام وقت این موضوع را دنبال می‌کرده است. این پدیده حاصل تلاش بیش از ده سال یک تیم بیست نفره و با صرف هزینة ای بالغ بر 40 میلیون دلار می‌باشد.

به نوشته روزنامه گاردین، منتقدان از جمله گروه‌های مذهبی این تحقیقات را محکوم کرده و به خصوص یکی از گروه‌های منتقد می‌گویند که باکتری و اشکال دیگر حیات که با این روش خلق می‌شوند، ممکن است به حیات وحش و محیط طبیعی گریخته و باعث فجایع زیست‌محیطی شوند.

این موضوع علاوه بر حوزه علم و تکنولوژی، بر فلسفه وجودی بشر و شناخت انسان از خود تأثیر بسزایی گذاشته است. کریگ و وینتر در این مورد می‌گویند: «این دستاورد هم از نظر علمی و هم از نظر فلسفی گامی بزرگ است. بدون هیچ تردیدی این کشف دیدگاه مرا از مفهوم حیات و چگونگی آن تغییر داده است.»

جولیان ساوولسکو، استاد اخلاق در علوم تجربی از دانشگاه آکسفورد نیز در این باره می‌گوید: «کریگ و وینتر با این کشف در راه سوی بنیانی‌ترین موضوع در تاریخ بشریت و احتمالاً سرنوشت و آینده آن گشوده است. کار او صرفاً کپی کردن شکل حیات به صورت مصنوعی نیست. او دارد به ایفای نقش خداوند نزدیک می‌شود و آن خلق حیات به شکل مصنوعی است که هیچ گاه به صورت طبیعی نمی‌توانسته وجود داشته باشد.»

طبیعی است که این پدیده نیز مانند هر پدیده علمی دیگر با عکس العمل متفاوت رهبران دینی مواجه می‌شود. رهبران دینی تاریخاً پدیده‌های علمی را انکار کرده و به مخالفت سر سخت با آن برخاسته‌اند. محاکمه گالیله و کوپرنیک، تکفیر و سوزاندن انسانهای نوآندیش عصر خود با نام جادوگر نمونه برجسته این تقابل بوده است. در سالهای اخیر روند تکامل علم به حدی سرعت گرفته است که رهبران مذهبی فرصت انکار آنها را پیدا نمی‌کنند و در نتیجه با احتیاط بیشتر به این موضوع برخورد می‌کنند.

واتیکان در اولین اظهار نظر رسمی و در بیانیه‌ای خطاب به دانشمندان سلول شناس اظهار داد که با خدا بازی نکنند و آنها را مورد عتاب قرار داد که باید مسولیت اخلاقی تحقیقات خود را در نظر داشته باشند. عالیترین مقام زیست - اخلاقی واتیکان سر اسقف رینو فیسیکالا در این زمینه گفت: «این اکتشاف علمی بزرگی است اما باید بدانیم در آینده چگونه به کار گرفته خواهد شد. اگر ما بدانیم که این اکتشاف به نفع همه ما انسانها و محیط زیست است، نظر ما ثابت خواهد ماند. اما اگر استفاده از این پدیده در تضاد با کرامت و حرمت انسانها قرار گیرد قضاوت ما نیز تغییر خواهد کرد.»

کسانی که با تاریخ تقابل علم و ادیان آشنایی دارند معنی این کلمات را درک می‌کنند. قطعاً منظور از "کرامت و حرمت انسانها" چیزی غیر از باور و ایمان انسانها نیست که از بخت بد رهبران دینی و به یمن تکامل علم هر روز سست تر و ضعیف تر می‌شود و در نتیجه تعرض علم به ساحت مقدس ادیان، رهبران مذهبی مجبور می‌شوند هر روزه قضاوت خود را تغییر دهند! ادعای کلیسا و سایر رهبران مذهبی در مورد کرامت و حرمت انسانها به جوک شبیه دارد. این ادعا در حالی مطرح می‌شود که هنوز کلیسا سخت ترین دوران حیات خود را به خاطر رسوائی های پی در پی از آزار جنسی کودکان از سر نگذرانده است. فیزیکیلابرای خالی نگذاشتن عریضه و من باب احتیاط افزود: الزاماً تضادی بین علم و دین وجود ندارد!

روزنامه رسمی واتیکان نیز این پدیده را "نتیجه ای جالب" نامید و تأکید کرد باید مانند تمام مسائلی که با بشر سرو کار دارد این اکتشاف نیز تابع قوانین در آید. مهندسی ژنتیک می‌تواند خوب باشد اما کاری بسیار ظریف است که چیزی بین شهامت و احتیاط می‌تواند باشد!

یکی دیگر از مقامات عالی رتبه واتیکان در مصاحبه با روزنامه لا ستامپا گفت: «ممکن است دانشمندان وسوسه شوند که خدا را به بازی گیرند. خود را خدا فرض کردن و تقلید کردن از کار او، کاری بسیار خطرناک است که انسان را به بربریت می‌رساند. دانشمندان نباید فراموش کنند که فقط یک خالق وجود دارد و آن خدا است.» این عکس العمل ها نمونه برخورد "متمدنانه" ادیان سازمان یافته که خدا را به علمی است. انکار، هتداز، اخطار و چنانچه عرصه بر دین تنگ تر گردد به قول فیسکیلا قضاوت آنها نیز تغییر خواهد کرد! هنوز سایر شاخه های ادیان رسمی مانند اسلام در این باره چیزی نگفته اند. می‌توان حدس زد که برخورد آنها به این قضیه چیزی بهتر از دین شسته رفته ی کاتولیک نخواهد بود.

بهر حال قضاوت آنها هر چه باشد تغییری در روند تکامل علم نخواهد داشت. تاریخ تکامل علم قدم به قدم با تاریخ بشر جلو آمده و ادیان و رهبران مذهبی چه با اخطار و چه با اقدام قهر آمیز نتوانسته اند جلوی این روند را بگیرند.

در جواب به نگرانیهای اخلاقی انسانهای شریف جامعه که ارزشهای خود را بیرون از حوزه مذهب تعریف می‌کنند باید گفت: این پدیده علمی نیز مانند سایر دستاوردهای علم و تکنولوژی می‌تواند تبعات نگران کننده ای داشته باشد. اما نمی‌توان با توجهات اخلاقی ارزش انکار ناپذیر تکامل علم و تکنولوژی را نادیده گرفت. تلاش برای استفاده هر چه بیشتر و مفید تر از علم و تکنولوژی به تلاش برای ایجاد سیستم انسانی تر و تغییر در مناسبات اجتماعی انسانها گره خورده است.

####

## تاریخ تکراری

### عباس رضایی

چند سال پیش زمانی که جنبش چپ دانشجویی در اوج خود بود، دوستان و دشمنان کمونیسم مرزبندی هایشان زیاد مشخص نبود. فقط چند سال پیش بود که چپ جامعه ایران با حکمتیسم شناخته می‌شد، دوست و دشمن این را پذیرفته بودند در داخل ایران دفتر تحکیم وحدت برای خارج کردن دانشجویان چپ از صحنه بازی آنها را تهدید می‌کرد که حکمتیست بودنشان را لو می‌دهد.

"چپ" های تبعیدی در خارج کشور با هزار و یک دسیسه سعی کردند این چپهای مسلح به تئوری حکمتیسم را عقب بنشانند. از هر وسیله ای استفاده کردند که کمونیسم قدرت مند نشود، اگر رهبرش حکمتیستها هستند، من آن موقع دلیلش را نمی‌دانستم. به گرابی که دفتر تحکیم وحدتی ها و همین چپها، خواسته یا ناخواسته به توپ خانه جمهوری اسلامی دادند، دانشجویان چپ توسط جمهوری اسلامی در هم کوبیده شدند. صدای هل هله شادی همین "چپها" در روزهای زندانی شدن اعضای داب هنوز در گوشم می‌پیچد. همه گفتند حکمتیست بودند. اشتباه حزب حکمتیست باعث شکستشان شد! همان افرادی که همه کمونیستهای زندانی را حکمتیست معرفی کردند را اگر 10 روز قبل از دستگیری اعضای داب، از آنها می‌پرسیدی داب چیست؟ جواب می‌دادند دانشجویان کمونیستی که به ما نزدیک هستند، اما روز بعد از دستگیریشان همه حکمتیست شدند!

اکنون باز همان ترکیب را می‌بینم که علیه حکمتیستها صف کشیده است. یک سال است دارند ادامه می‌دهند و باز دست از پا دراز تر جز فحاشی کار دیگری نمی‌توانند انجام دهند همان کسانی که گفتند داب چیزی نبود! اکنون سبزه ها را همه چیز می‌دانند حتی تا جایی پیش رفتند که عاشورا را روز انقلاب خواندند

### اعتصاب عمومی

جمهوری اسلامی عده ای را اعدام کرد. مردم خشمگین ساکن در کردستان به ده ها فراخوانی که از طرف همه احزاب و شخصیتها داده شد جواب مثبت دادند و یک روز اعتصاب کردند. من می‌دانستم که دوباره این بهانه ای می‌شود تا هر کس به هر دلیلی از حکمتیستها کینه ای دارد، دوباره فرصت را غنیمت بشمارد. از نحوه فراخوان های شخصی معلوم بود که قرار است چه اتفاقی بیفتند. این کوتاه نظران از همه جا رانده شده برای سنگر بندی علیه حکمتیستها به دامان پدر بزرگ فرسوده و پیرریشان (کومله) پناه بردند. برای آشتی با جنبش سبز هر کس توانست علیه حکمتیستها کاغذ سیاه کرد و اگر توان نوشتن نداشت زیر نوشته دیگران را امضا کرد.

فحاشی به حکمتیستها اسم رمز جدید اتحاد چپهای خارج کشور شده است. در این رابطه همبستری تازه کومله و حزب کمونیست کارگری ایران مثال زدن است. بقیه اعضای مستعفی حزب حکمتیست هم که از هر فرصتی برای نزدیکی به کومله استفاده می‌کنند، با دفاع از فراخوان کومله که هم زمان با بقیه فراخوان ها داده شده بود و تقدیم تمام عیار دستا وردهای این اعتصاب (به عنوان پیشکش) به کومله به یابوس ابراهیم عزیزا ده رفتند.

اما برای ما حکمتیستها این فقط یک تکرار تاریخ است. زمانی همه احزاب راست و همه کمونیستهای صورتی علیه منصور حکمت لجن پراکنی کردند. زمانی که منصور حکمت در حال تأسیس حزب کمونیست کارگری وقت بود، همین افراد عضو کومله که اکنون همبستر حزب واقعا جدید التاسیس کمونیست کارگری هستند! همین فحاشی ها را کردند.

اکنون تا می‌توانید اطلاعیه دهید، صدای شیبه اسپها را قبل از طوفان انقلاب بشنوید، پنج ورق تحلیل بنویسید که در آخرش بگویید حکمتیستها هیچی نیستند. ما هیچی حسابتان نمی‌کنیم. قبلاً هم گفته بودم وقتی از روی شانه غول به پایین می‌نگرید، این دست و پا زدن ها یک بازی بچگانه بیشتر نیست. ####

زنده باد برابری!

زنده باد آزادی!

## چند درس بدیهی تحولات سیاسی کنونی

رحمان حسین زاده

تحولات سیاسی بعد از نمایش "انتخابات" جمهوری اسلامی درسهای متعددی دارد. روندهای جدیدی در حاکمیت سیاسی ایران، در صف اپوزیسیون و در جنبش اعتراضی وموقعیت جنبشها و احزاب سیاسی گشوده است. در سمنیار امروز نمیتوان به همه جوانب این مسائل پرداخت. من به طور فشرده بر محورهایی تاکید میکنم.

### 1- "گسست مصلحتی"

برای توضیح ماهیت تحرک وسیع اعتراضی زیر پرچم سبز موسوی "گسست مصلحتی" مورد نظر پوپولیستها را نباید پذیرفت. بین وقایع روز بیست دوم خرداد یعنی روز انتخابات و حرکت اعتراضی روز بیست سوم پیوستگی واقعی وانکارناپذیری وجود دارد. همان نقطه عزیمت ها و نیروها و جریاناتی که مردم را به پای صندوق رای جمهوری اسلامی کشاندند، همانها سازندگان و رهبران تحرک اعتراضی روز بعد تحت پرچم سبز موسوی هم بودند. این وقایع را دو جناح حکومتی قبل از انتخابات پیش بینی کرده بودند و خود را برای آن آماده کرده بودند. موسوی و جناح وی اعلام کرده بودند که "تقلب" خواهد شد و آن را نمی پذیرند و سخنگوی جناح حاکم کیهان شریتمداری گفته بود که طرف مقابل شکست میخورد و به خیابان می آیند و باید در مقابلشان ایستاد. سیر وقایع به همین شکل پیش رفت در نتیجه اگر سیاست شرکت نکردن در نمایش انتخاباتی و تحریم آن از جانب هر بخش از مردم درست بود، شرکت نکردن و همراه نشدن با موج اعتراضی سبز موسوی به عنوان بخشی از خود جمهوری اسلامی درست است. جریانات پوپولیستی که این رویدادها را "انقلاب" نامیده اند، لطفاً توضیح دهند این چه انقلابی است که روز قیلتران کوچکترین ابراز وجودی در مقابل معرکه گیری "انتخاباتی" جمهوری اسلامی ندارد. توضیح دهند این گسست مصلحتی در خدمت توجیه کدام منفعتهای مصلحتها و مواضع بکار گرفته میشود؟

### 2- صف بندی نیروها در جریان انتخابات و بعد از انتخابات

نمایش انتخاباتی ایندوره در فضای داخلی و بین المللی متفاوتی برگزار شد. در سطح بین المللی، قدرتهای بزرگ بورژوازی و کشورهای غربی امید زیادی به آن بستند. در دوره انتخاب مسیر سازش با جمهوری

اسلامی در انتظار ظهور "سید خندان" دیگری بودند. در همین راستا بازار گرمی کردند. رسانه های غربی و مشخصاً شعبه های فارسی زبان آنها همچون بی بی سی و صدای آمریکا و ... سنگ تمام گذاشتند و

اساساً در کنار جناح موسوی قرار گرفتند. در سطح داخلی نیز، علاوه بر جریانات و نیروهایی که قبلاً هم در جریان دوم خرداد، در حمایت از خاتمی 8 سال در چشم مردم خاک پاشیدند، این بار نیروهای بورژوازی بیشتری در کنار انتخابات جمهوری اسلامی و جناح به اصطلاح "اصلاحات" قرار گرفتند. بخشی از نیروهای بورژوازی ملی و قومی که در دوره گذشته به گزینہ نظامی پنتاگون و بوش امید بسته بودند، این بار سرخوردگی خود را با مجیزگویی جناحی از جمهوری اسلامی و تایید نمایش انتخاباتی آن جبران کردند. از "تحرک مطالبه محور" و امثال داریوش همایون و کمپین یک میلیون امضاء و ملی گرایان و قوم پرستان و غیر کرد امثال حزب دمکرات کردستان مردم را به شرکت در این نمایش تشویق کردند. دامنه اپوزیسیون پرو رژیم حامی انتخابات بیشتر شد. این بخشی از تغییر صف بندی سیاسی در این ماجرا بود. همین صف بندی در فردای بعد از انتخابات و این بار در جریان تحرک اعتراضی زیر پرچم سبز خود را حفظ کرده است. نیروهای بورژوازی بیشتری زیر نام اپوزیسیون در معرکه گیری جدید بعد از انتخابات در کنار جنبش سبز موسوی و جناحی از جمهوری اسلامی هستند. این صف بندی طبقاتی جدید را طبقه کارگر و صف آزادیخواه مردم ایران باید جدی بگیرند.

### 3- ماهیت جنبش اعتراضی بعد از انتخابات:

جنبش اعتراضی بیست سوم خردادبا شرکت وسیع مردم متوهم، مداوم نمایش انتخابات بیست دوم خرداد با حضور وسیع مردم متوهم است. همان نیروها و انگیزه های غیر متجانسی که پای صندوق رای به نفع جناح "اصلاحات" رفتند، همان نیروها و انگیزه ها تحت هژمونی جنبش سبز موسوی به میدان آمده است. مطالبات "ابطال انتخابات" و "رای من کو و رای من را پس بدهید" به گویاترین شکلی به هم پیوستگی این دو مرحله و عیناً پوچی این دو مرحله و سرخوردگی و فریب خوردگی این مردم در جریان انتخابات را نشان میدهد. نتایج اعلام شده نمایش انتخابات تغییر موازنه قدرت بالایی ها را منعکس میکند. جناح شکست خورده برای پیشبرد اعتراض و امر خود دشمن از اهرمهای قدرت و فشار موثر دربالا کوتاه شده است. به این دلیل مشروط و محدود به پایین و خیابان متوسل شده است. جنبش سبز موسوی حاصل این روند است. جنبشی در چارچوب

نظام است. نهایتاً یا باید تمکین کند و راه معامله را طی کند، یا شکست را بپذیرد. این جنبش و رهبری و اهداف این ارتجاع محض است. واضح است توده مردمی که در این صف گردآمده اند، یکدست نیستند. بخش زیادی مردم کمین کرده علیه کلیت جمهوری اسلامیند که با محاسبه تضعیف جمهوری اسلامی هم پای صندوق رای رفتند و هم در این تحرک شرکت دارند، بخشی تحت تأثیر نیروهای اپوزیسیون پرو رژیم به این دام افتادند و بخشاً از سر توهم و امید بستن به وعده وعیدهای جانیان اسلامی کاندید شده در این مسیر گام گذاشتند. به کل این مردم باید گفت این مسیری که در آن گام گذاشتند اشتباه است، همانطور که در دوره دوم خرداد و خاتمی اشتباه بود. مردم را به ترک این صف و ایجاد صف متمایز و آکتیو به زیر کشیدن کلیت جمهوری اسلامی باید راهنمایی کرد.

### 4- پوپولیستها قربانیان جنبش سبز موسوی:

شرکت وسیع مردم در این جنبش و تحرک بعد از انتخابات باردیگر از میان نیروهای چپ قربانی گرفت. انقلاب همگانی فوریه منشویکها و بسیاری از سوسیالیستهای پوپولیست را قربانی گرفت و با خود برد. چپ وسیع مقطع انقلاب 57 ایران با دنباله روی از جنبش همگانی تقدیس آن و رها کردن جنبش و افق طبقاتی شفاف قربانی شد. تمکین اولیه چپ کردستان عراق در مارس 1991 به هژمونی جنبش همگانی و ملی لطامات جبران ناپذیری وارد کرد و سپس با طرح نقد کمونیستی مسبر جدیدی پیدا کرد. متأسفانه با نادیده گرفتن همه این تجارب این بار نیز نفس حضور وسیع مردم و توده ای بودن این جنبش تعدادی از نیروهای چپ را با خود برد و قربانی گرفت. در این میان مواضع پوپولیستی حزب کمونیست کارگری و لیبر آن از همه نخ نما تر است. چشم بسته قاطی این جنبش و به قول خودشان دنباله رو این "انقلاب" شده اند. گویا از درون میخواهند جنبش سبز را به جنبش سرخ تبدیل کنند. (توهم کودکانه) شده رامنحوش میزنند. به این خود جوش که هنوز هژمونی و رهبری خاصی ندارد را با یک جنبش سبز ارتجاعی صاحب کاراکتر و مطالبه ارتجاعی و از قبل معماری شده رامنحوش میکنند. به این اپورتونیسیم و تناقض در موضع سیاسیشان جواب نمیدهند که چطور است روز انتخابات به میلیونها مردم دست روز بعد به هزاران هزار نفر از همان مردم که دنباله رو موسوی با شعار "ابطال" انتخابات" بر عکس میگویند، شرکت کنید. مبنای این اپورتونیسیم سیاسی، پوپولیسم شناخته شده ایست که سرنگونی طلبی به هر قیمت کل فلسفه وجودی این جریان و هم "استراتژی وهم تاکتیک" آن را تشکیل داده است. در این راستا دنباله

رو هر جنب و جوشی مستقل از کاراکتر و سیاست آن هستند. همین نگرش پوپولیستی و سرنگونی طلبی سطحی آنها را به شرکت در تحرک ها و الاحوال و ناسیونالیستها آذری کشاند و با همین منطق امروز دنباله رو جنبش سبز موسوی و اولین قربانی چپ در جریان این تحول هستند.

### 5- سیاست کمونیستی چیست و چه باید کرد؟

سیاست کمونیستی و کمونیستها تمام قد در مقابل این رویداد باید قد علم کنند. با سیاست زیر و رو کننده کمونیستی به جنگ فضای حاکم و افکار حاکمه و جنبش عروج کرده کنونی بروند. سیاست "دنباله روی انتقادی" و "تغییراز درون" جنبش سبز یک توهم پوپولیستی و کودکانه بیش نیست. صریح و سر راست باید گفت این جنبش نه تنها ربطی به منافع طبقه کارگر و مردم ندارد، بر عکس علیه آن است. جنبش از ادیخواهانه به نفع طبقه کارگر و مردم محروم از تقابل با کلیت جمهوری اسلامی و جنبشهای ارتجاعی امثال جنبش سبز موسوی سربلند میکند. لازمست صریح به مردم گفت اشتباه شرکت در انتخابات را با اشتباه شرکت در بازی قدرت جناحهای جمهوری تکرار نکنید. گوشت دم توپ کشمش خیابانی آنها نشود. "ابطال انتخابات" تکرار انتخابات دردی از طبقه کارگر و مردم محروم دوا نمیکند. راه مبارزه موثر از کانال غرولندها و به میدان کشیدن آنها توسط موسوی و کروبی و شرکاء نمیگذرد. به فراخوانهای اینها نباید جواب داد. سیاهی لشکر جنگ اینها نباید شد. بگذار دشمنان طبقه کارگر از هر دو جناح به سر و کله هم بزنند. ما هم از این فرصت برای تقویت جنبش طبقاتی و سیاسی خود استفاده کنیم. اما راه استفاده کردن این نیست حتماً در میدان تعیین شده آنها و در درون تظاهراتهای آنها بازی کرد و گویا پرچم مستقل را آنجا بر افراشت و یا همانند بعضی ها ماجراجویانه و غیر مسئولانه در روزهایی که کل نیروی سرکوب بنایندگان در آماده باش است و با تحریک سرکرده چنایتکارشان خامنه ای، فتوای قتل همه و از جمله "خودیبهای" نظامشان را گرفته، مردم را به تظاهراتی انورتر فراخوان داد. اگر نگرش آکسیونبستی را کنار بگذاریم، آنوقت برای رهبران و فعالین کمونیست در مراکز کارگری، در محلات، در میان جوانان و زنان و دانشگاهها، در محیط های عادی اجتماع مردم در این فضای سیاسی داغ و پر جنب و جوش دنیایی کار و ابتکار برای سروسامان دادن به جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه وجود داد.

ادامه در صفحه ۹



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

**گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان**  
تهیه و تنظیم: اسماعیل ویسی

**سندج**

- نیروی انتظامی رژیم در سندج به دستفروشان و کهنه فروشان مستقر در خیابان سیروس این شهر که از کارگران بیکار و اخراج شده و اقتشار فقیر جامعه هستند روز دوشنبه 10 خرداد ماه 1389 31 مه 2010 حمله کردند که با مقاومت دستفروشان روبرو شدند و با شکست مواجه شدند.

- بر اثر حوادث محل کار در شهر سندج روز دوشنبه 3 خرداد ماه در جریان حادثه ای دلخراش بر اثر سقوط یک دستگاه بیل مکانیکی به داخل رودخانه، کارگری جوان با نام "بابک رضاقلی" اهل روستای "قلیان" واقع در حومه این شهر متأسفانه جان خود را از دست داد.

**سقز**

- روز سه شنبه 4 خردادماه کارگر جوانی با نام "کمال مرادی" اهل روستای "کس نزان" واقع در منطقه "سرسینو" سقز، بر اثر سقوط از یک ساختمان در دست ساخت واقع در روستای "قرچی آباد"، به دلیل شدت جراحات وارده متأسفانه جان خود را از دست داد.

**پاته**

در پی برگزاری اعتصاب عمومی شکوهمند روز پنجشنبه 23 اردیبهشت در شهرهای کردستان دستگاه های امنیتی و انتظامی رژیم اقدام به ارباب و ارباب شمار کثیری از فعالین کارگری و سیاسی شهر های مختلف کردستان جمله پاته، سندج، مهاباد و بوکان نموده اند. و در همین ارتباط دستگاه امنیتی رژیم اسلامی در شهر پاته روز 6 خرداد ماه 1389 - 27 مه 2010 شماری از فعالین کارگری "احمد فتاحی، حسن امین پور و صادق میرزایی" را به اداره اطلاعات شهر پاته احضار و مورد بازجویی قرار داد.

**گزارشی کوتاه از شرکت جهاد نصر کردستان**

شرکت جهاد نصر یکی از شرکت های نیمه دولتی و نیمه خصوصی است که در استان کردستان فعالیت می کند. این شرکت از جمله مراکز ورشکسته دولتی بود که با سپردن پروژه مسکن مهر توسط ستاد مسکن استانداری کردستان به آن، دوباره رونق گرفت.

در حال حاضر جهاد نصر در استان کردستان، بر روی پروژه های متفاوتی مانند: تصفیه خانه شهر سقز، سد زیویه و راه سازی مسیرهای سندج به شهرهای کامیاران، مریوان و دهگلان و مهم تر از همه پروژه آماده سازی مسکن مهر کار می کند. در حالی که این شرکت، ماشین آلات خود را از کشور ژاپن خریداری نموده است، اما از پرداخت حقوق کارگران طرفه می رود. علاوه بر این، مسئولین این شرکت، بخش هایی از پروژه ها را به پیمانکاران داده و خود در آن شریک هستند و از ثروت حاصل از استثمار کارگران و پول اقتشار کم درآمد، سرمایه خود را افزایش می دهند.

عطاءالله و کیومرث امینی. هستند. داری می توانی تسویه حساب نموده و کار نکنی!

6- سلسله مراتب شبیه یادگان است - دوربین های مدار بسته شبانه روزی کنترل شده و گزارش آن به مدیریت داده می شود. این دوربین ها حرکت انسانی را مشمول جریمه و بازخواست قرار می دهند. 8- اضافه کاری اجباری: این اضافه کاری ها تاکنون بسیاری از کارگران را بیمار و حتی یکی از کارگران زحمتکش( به شهادت خود کارگران) به اسم بهرام فرزام راد، بر اثر همین اضافه کاری سگته کرده و جان باخته است. در طول سال به طور متوسط هر کارگر 1500 ساعت اضافه کاری اجباری دارد. اگر فروش خوب باشد، اضافه کاری اجباری حتی است و در صورت کسادی بازار، مدیریت بنا به تصمیم خودش، تعطیلات را جابجا و کارگران را به مرخصی اجباری می فرستد.

- شرح وظیفه در مقابل دستور مافوق بی اعتبار است! 10- ایستادن و نشستن در طول ساعات کاری جرمی نابخشودنی است. 11- دستمزد مطابق حداقل حقوق قانون کار است. البته اگر کارگر جریمه نشود. 12- ربع و وحشت از کارفرما و محیط کار و ترس از بازخواست و جریمه شدن کابوس های شبانه کارگران در هنگام خواب محسوب می شود! 13-

شبن بافت یک پادگان نظامی است که تمامی صفات مدیریت و برخورد با کارگران غیر انسانی است و کارگر آزاری به هر شیوه ی ممکن اجرا می شود. (40 روز یکی از کارگران بنام ابوبکر فطنی، در حیاط کارخانه به صورت ایستاده، مورد اذیت و آزار روحی و جسمی قرار گرفت. کارگری با نام خانوادگی درویشی، توسط کیومرث امینی و دو نفر از عواملش مورد کتک کاری شدید قرار گرفت و ...)

14- هر کدام از ابزار و وسایل تحویلی کارگران، در صورت شکسته شدن و یا اسقاط و گم شدن، بنا به تشخیص کارفرما باید دوباره توسط کارگر خریداری شود. 15- از قانون کار حرف زدن در محیط کار جرم محسوب می شود و کسر حقوق به دنبال دارد. 16- عضویت در تشکل های کارگری، حتی خارج از کارخانه جرم است و اخراج را در پی دارد. 17- دوستی جرم است و یکی از وظایف مدیریت ایجاد تفرقه میان کارگران است. 18- این کارخانه هیچگونه حمایت مالی و اسپانسوری در قبال کارگران انجام نمی دهد. 19- مداحان و تملق گویان و گزارش گران مدیریت، که معمولاً اقوام کارفرما هستند، از نیروهای ستادی و اداری مدیریت محسوب می شوند، که گاهی اوقات برای لشکرکشی ها خارج از وظایف مورد استفاده قرار می گیرند و پست کاری آنها با هیچ کارگر مرضی قابل تعویض نیست.

خلاصه کنم: شبن بافت کارخانه چمنی است که من حدود ده سال به عنوان فردی مرعوب شده در آنجا کار کردم.

(کارگر اخراجی)

#####

بیش از 300 کارگر در شرکت جهاد نصر کردستان کار می کنند که از یک تا ده سال، سابقه دارند و با آنها به صورت یک ماهه و سه ماهه و برای مهندس ها، یک ساله، قرارداد می بندند. قرارداد را در ابتدا کارگران به صورت برگ سفید امضا و حتی آخر آن هم بدون تاریخ است. در ابتدای آن هم قید می کنند که کارگر کلیه مطالبات خود را دریافت نموده است. این شیوه سالهاست که ادامه دارد و آخر هر سال تا پنجم سال آینده کارگران قرارداد ندارند و برگ تسویه حساب سالانه را دال بر گرفتن کلیه حق و حقوق به آنها تحویل و به امضا می رسانند.

تقریباً اکثر شرکت ها با توان مالی که دارند، از اداره کار و امور اجتماعی بعنوان مشاور حقوقی خود استفاده کرده و با ترفند و تفسیر ماده و تبصره های قانون کار، کارگران را از لحاظ قانونی، بی حقوق و بیشتر استثمار می کنند. کارگران حتی از نماینده کارگر که از راه های قانونی بتواند به آنها کمک کند، محروم هستند.

پروژه مسکن مهر شرکت جهاد نصر در سندج نیز در دو شیفت کاری مشغول به کار بوده و حدود 100 نفر کارگر در آنجا مشغول به کارند. شیفت روز از ساعت 7 صبح تا 6 غروب و 80 نفر کار می کنند و شیفت شب از ساعت 6 غروب تا 4 صبح و 30 نفر کار می کند. کارگران این شرکت بر روی حدود 120 دستگاه ماشین آلات سنگین و نیمه سنگین و سبک از قبیل لودر، بیل مکانیکی، بولدوزر، گریدر و کمپرسی و دیگر ماشین های سبک مشغول به کارند.

هر یک از مسئولین شرکت جهاد نصر تعدادی از اقوام و آشنایان خود را استخدام کرده و از مزاد سود کارگران به آنها ماهیانه حدود یک میلیون تومان حقوق پرداخت می کنند. در حالی که کار مفیدی هم انجام نمی دهند. این در حالی است که اضافه کاری و حقوق قانونی کارگران به شکل های مختلف پامال می شود. مثلاً حق سنوات سالیانه به حقوق آنها اضافه نمی شود و با اضافه کاری جمعه و روز های تعطیل با روز عادی همسان محاسبه می شود و حق نوبت کاری ندارند. در این شرکت ایمنی محیط کار اهمیت ندارد و لباس و کفش کار، عینک و ماسک مخصوص گرد و غبار هم به کارگران داده نمی شود.

هم اکنون کارگران جهاد نصر که اکثر آنها متاهل و دارای فرزند و مستاجر هستند، چهار ماه است که حقوق نگرفته اند. سال گذشته کارگران پروژه مسکن مهر برای گرفتن مطالبات خود دست به اعتصاب زدند و موفق شدند مطالباتی مانند حقوق معوقه، حق نوبت کاری و حق مأموریت و اضافه کاری را بدست آورند. کارگران باید متحد شوند و اعتراض کنند و چاره ای جز متحد شدن و اعتراض و ایجاد تشکل اردیبهشت 89

گزارشی کوتاه از شرایط کار و زیست کارگران کارخانه نساجی شبن بافت و پیروز بافت سندج سرمایه گذاران (کارفرمایان): آقایان

گزارشی کوتاه از شرایط کار و زیست کارگران کارخانه نساجی شبن بافت و پیروز بافت سندج سرمایه گذاران (کارفرمایان): آقایان

**کارگران جهان متحد شوید!**

## در بزرگ داشت یک انسان بزرگ و متفکر برجسته مارکسیست

علی مطهری

به تصویر کشیدن قامت منصور حکمت و معرفی و در دسترس قرار دادن آثار او امر انسانهای زیادی است که تحول فکری، نگرش و سنتهای سیاسیشان، محصول زندگی پر بار نظری و عملی این انسان بزرگ است. که من نوشته خود را با بیان سه جمله زیر از کورس مدرسی در توصیف و معرفی منصور شروع میکنم:

"منصور حکمت بر شانه های مارکس و لنین ایستاده است. اما قامت خود او به روشنی مشهود است. دولت در دوره های انقلابی را در کنار دولت و انقلاب بگذارید، بحث رابطه احزاب، طبقات و جنبش های اجتماعی را کنار ایندولوژی آلمانی قرار دهید و دنیای بهتر برنامه کمونیسم کارگری با مانیفست مقایسه کنید تا متوجه قامت عظیم منصور حکمت شوید."

نگرش و سبک حاکم بر آثار روان، راه گشا و زیر و رو کننده اش در دو دوره تاریخی قبل و بعد از فروپاشی بلوک شرق عمق تفکر مارکسیستی و راه حل های سیاسی این انسان بزرگ را به نمایش می گذارد و جهت و خطی را ترسیم میکند که از طریق مطالعه آن به راحتی می توان امید به یک آینده بهتر، آزاد و برابر و عملی بودن آنرا تشخیص داد. نقد نظری جریاناتی که تحت پوشش چپ و کمونیست اهداف ملی خود را پیش می بردند و تلاش بی وقفه در راستای زنده کردن تئوری مارکس و بیرون کشیدن مارکسیسم از زیر خاک ریزه هفتاد سال حاکمیت و تسلط رویونیسم پوپولیستی، مارکسیسم انقلابی را به نیروی موثر و متحول کننده ای دوران خود تبدیل نمود و تأثیرات عمیقی بجا گذاشت و دگرگونی بی سابقه ای در فکر و جهان نگرشی طیف وسیعی از چپ ایران ایجاد نمود، حتی جریاناتی که خود از منقدان نظری و برنامه ای منصور حکمت و مارکسیسم انقلابی محسوب میشدند، نتوانستند از نفوذ و تأثیر آن خود را کنار بکشند و بخش مطالباتی برنامه شان بطور چشم گیری از آن الهام گرفت و.... اما این پیشروی برای منصور حکمت آغازی در جهت تبیینی به مراتب جهان شمول تر، فراگیرتر و همه جانبه تر از مارکسیسم در دوران معاصر بود. او لحظه ای از حدادی کردن ابزار متحد نمودن طبقه کارگر برای جنگ با طبقات دارا باز نه ایستاد و با خاتمه یافتن کاربرد و تأثیرات تحول بخش مارکسیسم انقلابی، حزب کمونیست ایران را که محصول پیشروی و پیروزی مارکسیسم انقلابی بود، حد نهایی رادیکالیسم آن ارزیابی کرد و آنرا برای جنگ با شرایط بعد از فروپاشی بلوک شرق محدود و ناکافی دانست و کمونیسم کارگری را در جواب به شرایط جدید تبیین نمود. کمونیسم کارگری با قرار دادن پراتیک کمونیستی در جایگاه واقعی خود و ایستاده گیش در مقابل دنیای بعد از بلوک شرق، دنیای که نه تنها کمونیسم بلکه انسانیت نیز به قهقرا رجعت کرد، توانست بن بست مارکسیسم انقلابی را در هم شکند و با ایجاد حزبش راه را جهت پیشروی های بعدی باز نماید.

او با ایندولوژی های از گور برخاسته ناسیونالیسم و مذهب که بر پایه جهل و خرافه بنا شده و تحمیق و بی حقوقی انسان منفعت آنرا تأمین میکند در ضدیت کامل قرار داشت و با نقد عمیق و پیگیرش،

بی وقفه در صدد شناساندن سیمای استثمارگر و ضد بشری آنها به جامعه بود و در تقابل با دنیای این مکاتب عتیق، مانیفیست خود و حزبش، یک دنیای بهتر را نوشت و جامعه را به برپایی آن دعوت نمود.

سبک نگارش و قلم او روان و قابل فهم بود. پیچیده گی، فیلسوفیت و غامض بودن چپ روشنفکری در ادبیاتش قابل مشاهده نیست. او ابداع کننده سبک جدیدی از ادبیات و نگارش بود که در وهله اول بیان تسلط و توانایی کم نظیر و از طرف دیگر تلاش او برای رهای انسان از وضعیت موجود است. آکادمیسم، فخر فروشی و خود پسندی با نوشته های ژوبین بیگانه است. قلم او هدایتگر و پراتیک بود، و این یکی از وجوه مشخصه محسوس شدن فعالین کمونیست توسط نوشته های او می باشد. او کمونیست و اومانیت واقعی و در این راستا قاطع و سازش ناپذیر در مقابل دشمنان آزادی و برابری و مدافعان استثمار و کار مزدی بود، و در تقابل با آن خستگی ناپذیر و پیگیر عمل میکرد، و در هر دوره نقشه مند و موشکافانه با تحلیل درست اوضاع و اتخاذ تاکتیک مناسب چند قدم جامعه را به ساختن یک زندگی انسانی نزدیکتر می کرد. در افزوده های او به مارکسیسم و انطباق مارکسیسم بر شرایط امروز، بشارت دهنده، متحد کننده و عمیقاً راه گشا است. او مکان و جایگاه مارکسیسم، علمی و پیشرو انقلابی بودنش و جوهر انساندوستی آنرا بار دیگر به جامعه یادآور شد و شناساند.

منصور حکمت نماینده عدالت اجتماعی را می توان در ساختن ابزارهای متنوع جهت دخالت در سرنوشت کودک، دفاع از حقوق زنان، دفاع از حقوق پناهنده گان در خاطره ها زنده نگاه داشت، میتوان او را در کوهی از ادبیات سیاسی و آثار تئوریک که هر کدام آفق روشن و راه برون رفت از وضعیت نابرابر و نا عادلانه ای است که بشریت از آن رنج میبرد، باز یافت. می توان او را با تشخیص درست شرایط و تحلیل همه جانبه پدیده ها و ایستادگی و عبور دادن انسان از تند پیچ های مهم تاریخی گرامی داشت. میتوان او را در سبک کار و فعالیت کمونیستی و آموزش آن به فعالین حزبی و کمونیست های زیادی بیاد آورد. میتوان او را در شکستن حصار تنگ و محدود تشکیلاتی، به تاریخ سپردن فعالیت محفلی و ساختن حزبی باز، ملموس و قابل دسترس برای عموم، در کنار فعالین کمونیست و کسانیکه در تلاش برای تغییر جهان در راستای یک دنیای بهتر زندگی را سپری می کنند مشاهده نمود. میتوان او را در حرمت به انسان و مهم دانستن نفس وجود انسان و ضدیت با تحقیر و بی حرمتی هر روزه در کنار خود لمس کرد. می توان و....

انسانی بزرگ، متفکری برجسته، سیاستمداری شایسته، بشر دوست نمونه، عدلت خواه کم نظیر و کمونیست خستگی ناپذیر با قلبی سرشار از صمیمیت امروز در میان ما نیست، اما آثارش گنجینه و یادگار با ارزشی جهت پراتیک راه گشا در جنگ با نظام ارتجاعی و نابرابر سرمایه داری قابل دسترس است.

آثار منصور حکمت در دنیای تاریخ امروز مشعل فروزانی است در دسترس کارگران، کمونیست ها و پیشروان اجتماعی برای هدایت جامعه به سوی بر قراری آزادی و برابری و ساختن یک دنیای بهتر، مطالعه عمیق و جدی آثارش یکی از شروط مهم فعالیت جهت دار کمونیستی و پیشروی های آینده طبقه کارگر است. تأثیر منصور حکمت و آثارش همانند مارکس و لنین بر افکار ما و کمونیستهای زیادی غیر قابل انکار است و پراتیک ما و دوستدارنش را رقم خواهد زد.

زنده باد یاد و خاطره منصور حکمت

تماس با دبیر کمیته کردستان  
رحمان حسین زاده  
تلفن: 0046739225969  
ایمیل  
husienzade\_r@yahoo.com

تماس با روابط عمومی کمیته کردستان  
سالار کرداری  
تلفن: 0046700194503  
Rawabet.omumi.k@gmail.com

نشریه اکتبر را بخوانید،  
آنرا تکثیر و بدست  
خوانندگان برسانید،  
برای آن مطلب و  
گزارش تهیه کنید

اکتبر روز دوشنبه هر دو  
هفته یکبار منتشر میشود

اعضا هیئت تحریریه  
اکتبر:

سیف خدایاری، سلام زیجی، ملکه  
عزتی، رحمان حسین زاده، علی  
مطهری، سالار کرداری و رحمت  
فاتحی

ایمیل تماس و ارسال مطلب  
به اکتبر:

S\_zijji@yahoo.se

به گارد آزادی به پیوندید! زنده باد گارد آزادی!



## عرفان قانعی فرد: عامل دست پرورده جمهوری اسلامی

### صالح سرداری

چند سالی است که اسم عرفان قانعی فرد به عنوان محقق و مترجم و ژورنالیست در رسانه ها و میدیای ایران و کردستان مطرح شده است. با اتکا به حمایت‌های جمهوری اسلامی این شخص به سراسر دنیا برای انجام کارهای تحقیقاتی و روزنامه نگاریش سفر کرده و امکانات برای سفرها و فعالیت هایش تهیه و تدارک دیده شده است. با چهره های شناخته شده سیاسی از جمله جلال طالبانی رئیس جمهور عراق و برخی سران جمهوری اسلامی مثل محسن رضایی مصاحبه کرده و با این سرکرده سابق سپاه پاسداران دوستی نزدیکی دارد. کارها و فعالیت های قانعی فرد در سایت تابناک متعلق به محسن رضایی منتشر می شوند. فردی که در دامن جمهوری اسلامی پرورش یافته، صرفا به خاطر "کردبودنش" اعمال ضد مردمی توسط ناسیونالیست‌های کرد پرده پوشی شده و با آغوش گرم مورد پذیرا بی قرار گرفته است. برای نمونه این عامل جمهوری اسلامی در کردستان عراق در دفتر کار عبدالله حسن زاده دبیر کل وقت حزب دمکرات حاضر شد، با آقای دبیر کل مصاحبه ترتیب داد.

جناب دکترمحقق تا زه کار و ظاهرا "مستقل" بعد از اینکه جا پای خود را به عنوان محقق و مترجم تثبیت کرد، اکنون همچون زبان رسای جمهوری اسلامی حملاتی را به مردم کردستان و نیروهای سیاسی در کردستان شروع کرده است. اخیرا در جریان اعدام فرزاد کمانگر و 4 نفر از فعالین سیاسی در تازه ترین نوشته اش علت و مسئولیت و به اصطلاح "خطای" این اعدامها را به گردن نیروهای سیاسی و خود اعدام شدگان انداخته است. با کمال بیشرمی از قوه قضائیه خواسته منبعده با زندانیان با عطفوت و رفت اسلامی برخورد کند!

سایت تابناک جناب محسن رضایی دربخشی از تاریخ نگاری این "فرزند رشید جمهوری اسلامی" فعالیت کومه له بعد از انقلاب 57 را به عاملیت برای آمریکا نسبت داده واز این طریق کشتار مردم در کردستان را توجیه کرده است.

در تازه ترین مورد در جلسه ای که به مناسبت کتاب خاطرات جلال طالبانی در تهران برگزار شده، تا آن اندازه این

محقق از جمهوری اسلامی دفاع کرده که اعتراض کسانی چون بهرام ولدبگی مشاور رفسنجانی در کردستان و جلال جلالی زاده و عبدالله سهرابی از نمایندگان اصلاح طلب کرد در دوره قبل مجلس اسلامی را موجب شده است. به همه احزاب اپوزیسیون چپ و راست، به ویژه کمونیست ها و شخصیت های سیاسی در کردستان و به مردمی که در مقابل جمهوری اسلامی از خود دفاع کرده اند، به نحوی حمله کرده که فقط سران جمهوری اسلامی میتوانند چنین گستاخی کنند.

### عرفان قانعی فرد کیست؟

رژیم جمهوری اسلامی در مدت حاکمیتش تنها به اعدام و سرکوب و شکنجه اکتفا نکرده است. بلکه از همه شیوه های ضد مردمی برای بقای خود استفاده کرده است. تحمید یکی از این راههاست. برهان قانعی فرد یکی از دست پرورده های این رژیم برای تحمید مردم می باشد. برای اینکه دلیل این درجه دفاع بی چون و چرای این آدمک را از جمهوری اسلامی بدانیم، بد نیست او را معرفی کنیم و به محیطی که در آن و در دامن جمهوری اسلامی پرورش یافت و سال ها رژیم برای پرورده کردنش هزینه صرف کرده و او را به مقام دکتر و محقق و نویسنده و مترجم رسانده است اشاره داشته باشیم. حقیقت این است از روزهای اول به قدرت رسیدن رژیم اسلامی طرفداران احمد مفتی زاده در کردستان که در مکتب قرآن سازمان یافته بودند در خدمت رژیم قرار گرفتند و هر چه در توان داشتند، بر علیه مردم کردستان انجام دادند. پیشقراول نیروهای پاسدار و نیروهای سرکوبگر شدند در حمله به مردم کردستان که داشتند زندگی و اداره امور خود را از طریق نهادها و تشکل های توده ای سازمان می دادند. سرکوبگران اسلامی با همکاری مزدوران محلی و مفتی زاده ای صدها نفر از فعالین سیاسی و مردم مبارز را در شهرهای کردستان شناسایی و دستگیر اعدام کردند. شهر مریوان خانواده فئودال قانعی فرد یکی از طرفداران رژیم اسلامی بودند. اینها در تقابل با اتحادیه دهقانان و کمونیستها به خدمت جمهوری اسلامی در آمدند. توطئه های متعددی را سازمان دادند.

مردم دارودسته مفتی زاده و ارتجاع محلی را تحمل نکردند. در خیلی جاها و از جمله در مریوان بساط آنها را جمع کردند و حاضر نشدند زیر بار زور جمهوری اسلامی بروند.

رژیم این آزادی ها را تحمل نکرد و به کمک مزدوران محلی از طریق زمین و هوا به کردستان حمله کرد و با کشتار و اعدام و .... توانست آنجا را به اشغال خود در آورد

اما مردم کردستان و نیروهای سیاسی با مبارزات متشکل خود توانستند رژیم را ظرف 3 ماهه اول بعد از یورش 28 مرداد به زانو درآورده و شهرها را دوباره به تصرف خود در آورند. مزدوران محلی و دارودسته مفتی زاده بخصوص مزدورانی که اهل مریوان بودند همراه با شکست جمهوری اسلامی هزیمت کرده و نتوانستند در مریوان بمانند و به همدان رفتند. تا بار دیگر خود را برای حمله به مردم کردستان آماده نمایند. خانواده عرفان قانعی فرد از جمله از این مزدوران بودند که تحت حمایت همه جانبه جمهوری اسلامی در همدان ماندگار شدند.

به این ترتیب عرفان قانعی فرد از همان دوران کودکی در مکتب جمهوری اسلامی بزرگ شد. با هزینه دولت درس خواند و سهمیه دانشگاه گرفت و همه امکانات را در اختیار داشت تا به "محقق"، ژورنالیست" مورد پسند دستگاه اسلامی و در واقع ایدئولوگ رژیم اسلامی باشد. انصافا عرفان قانعی فرد با استعداد در عرصه نوشتن و ترجمه و ژورنالیسم در مقابل جمهوری اسلامی وظیفه شناس و خدمتکار بوده است.

در سی سال گذشته جمهوری اسلامی از طریق اعدام و کشتار و شکنجه و تبعید و توپ باران توانست مردم کردستان را به تسلیم وادارد و همواره با دریایی از نفرت اکثریت مردم آن جامعه روبرو بوده است. به علاوه حتی اصلاح طلبان کرد هم علیرغم عوامفریبی هایشان در این امر موفق نشدند. و باز رژیم پروژه هایی را ادامه داده است.

این بار از طریق افرادی چون جناب قانعی فرد وارد می شوند اما قانعی فرد و استادانش و کارگردانان این پروژه های جدید، سخت در اشتباهند. کارگران و زحمتکشان در کردستان سال هاست با این رژیم درگیر مبارزه هستند. با گوشت و پوست این حکومت را می شناسند. همه عوامفریبی ها و تحمید ها را تجربه کرده اند. وارد عمل شدن این مهره تازه کار و "آکادمیک" جمهوری اسلامی هم کاری از پیش نمی برد.

مردم کردستان باید آگاهانه با چنین پدیده هایی برخورد کنند. باید همه مجامع و جلساتی که از طرف افرادی چون قانعی فرد و برای پیشبرد پروژه های جمهوری اسلامی برگزار می شود به میدانی برای رسوا کردن این ها تبدیل شود. دور نیست روزی که عرفان قانعی فرد و اربابانش باید در مقابل مردم زجر کشیده از جمهوری اسلامی حساب پس بدهند.

\*\*\*

## چند درس بدهی ....

اینروزها محیط کار طبقه کارگر و به ویژه مراکز کلیدی کارگری، محلات شهرها، میتواند به محل تجمع و اجتماعات قدرتمند کارگران، مردم و جوانان و دانشجویان و زنان و مردان آزادیخواه تبدیل شود. بیانیته ها و

ادعاهای کارگران و مردم در کارخانه ها و محلات علیه وضع موجود، علیه دولت سرمایه داران و علیه وضعیت قیل و بعد از انتخابات و طرح مطالبات اساسی همچون آزادی فوری زندانیان سیاسی، آزادی بیان و عقیده و تشکل، آزادی، برابری و علیه فقر و فلاکت تبدیل شود. آگاهی و اتحاد و تشکل و انسجام درونی جنبش طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهانه را گسترش داد.

صفوف جنبش آزادیخواهانه را محکم کرد و نیروی آن را گسترش داد. گرد آوری نیرو کرد تا با تشخیص تناسب قوای درست و با اراده پیشروان جنبش آزادیخواهانه هر زمان خواستند ابتکارات مبارزاتی دیگر و تظاهرات

خیابانی را هم در دستور کار گذاشت. در این شرایط دنیایی کار و فعالیت تبلیغی، آگاهی بخش و سازمانگرا نه و

اجتماعی پیش پای فعالین و رهبران کمونیست کارگران و مردم و هر جریان کمونیستی خلاف جریان قرار دارد. حزب حکمتیست باسیاست و موضع کمونیستی و خلاف جریانی و رادیکال در این

ماجرا میتواند و باید جنبش و سیاست کمونیستی محور اتحاد کارگران و مردم را در فضای سیاست ایران در دسترس قرار دهد. این رسالت تلاش و فعالیت بسیار وسیعتر، هدفمند تر و موثر تر را از حزب ما و رهبران و فعالین آن میطلبد.

#

## آزادی برابری حکومت کارگری

## جنایت دولت اسرائیل علیه حامیان مردم غزه

بار دیگر دولت قوم پرست اسرائیل جنایت دیگری علیه حامیان مردم محاصره شده در نوار غزه آفرید. نیروهای اسرائیلی کشتی های گروه امداد، که حامل مواد کمکی به فلسطینیان محاصره شده در نوار غزه بودند را از هوا و دریا مورد حمله قرار دادند، حدود ۲۰ نفر از نیروی کمک رسانی به مردم غزه را به قتل رساندند، تعدادی را زخمی، و صدها نفر را زندانی کردند. این جنایت دولت فاشیست اسرائیل با عکس العمل، خشم و انزجار جهانیان روبرو شد و موجی از اعتراض در مقابل سفارتخانه های اسرائیل در کشورهای مختلف برافراشت.

تعرض نیروهای اسرائیلی به کشتی های کمک رسانی به مردم غزه و قتل عده ای بیگناه، حمله ای که با تمام معیارهای ریاکارانه بین المللی و تخفیف های ویژه ای که دول غربی و نهادهای بین المللی به تروریسم دولتی اسرائیل میدهند از طرف قریب به اتفاق دولتهای اروپائی "غیرقابل قبول" خوانده شد، بار دیگر مسئله فلسطین و مجازات جمعی ساکنین غزه را در مقابل چشمان جهانیان قرار داد این حمله بار دیگر قصاوت و بیرحمی جنون آمیز دولت اسرائیل علیه مردم محروم و بیگناه نوار غزه و حامیان آنها را در مقابل وجدان جهانیان قرار داد. این فاجعه بعلاوه ریا کاری دول غربی و حامیان دولت اسرائیل، و چهره کریه آنها را در توجیه جنایات چندین ساله اسرائیل، عیان تر کرد.

از دریچه این فقره از قتل و آدمکشی غیرقابل انکار دولت اسرائیل، بار دیگر مصائب و مشقات ساکنین غزه، مردمی که به بهانه قدرت گیری حماس، دستجمعی، کودک و بزرگ، سالمند و سالم و معلول، روزانه مجازات میشوند، از زمین و هوا مورد حمله تانکها و بمب های دولت اسرائیل قرار میگیرند، و بالاخره در یک محاصره اقتصادی راه تامین نیازهای زندگی شان مسدود شده است، را در مقابل چشمان جهانیان قرار گرفت. دولت اسرائیل، به پشت گرمی و حمایت آمریکا، تلاش کرد این جنایت را به هر شکل توجیه کند.

این توحش علاوه بر ابعاد جنایتکارانه آن علیه مردم بیگناهی که برای کمک رسانی انسانی در دریای مدیترانه در حرکت بودند، بعد دیگری از ظرفیت تعرضی و گسترش دامنه تروریسم دولتی دولت قوم پرست اسرائیل را نشان داد. عملیات نظامی دولت اسرائیل در آبهای بین المللی، در "اروپا"، در منطقه خارج از کنترل سنتی دولت اسرائیل، و گسترش تحرکات نظامی آن ماورای حوزه ای که در

خاورمیانه بدون هیچ حد و مرزی در اختیار اسرائیل و سیاست های تروریستی اش علیه مردم فلسطین قرار داده شده، به این جنایت ابعاد دیگری بخشیده است. این بعد، روابط دول اروپایی و آمریکا بعنوان حامی درجه اول اسرائیل، را تحت تاثیر قرار داده است و آنها را در منگنه و باطلاق و لجنزار تروریستی که در خاورمیانه دامن زده اند، گرفتار کرده است. حمله با برنامه، آگاهانه، و طرح از قبل مهندسی شده دولت اسرائیل در تعرض نظامی به کاروان کمک رسانی به مردم غزه، بعلاوه زنگ خطری برای حامیان مرتجع آن در غرب در کنترل افسار گسیخته تروریسم دولت اسرائیل، را به صدا در آورده است.

نباید اجازه داد قربانیان کمک رسانی به مردم غزه، و ساکنین محاصره شده در نوار غزه، بار دیگر قربانی معاملات دول اروپایی و آمریکا، و بده بستان های دیپلماتیک آنها با دولت اسرائیل شوند. نباید اجازه داد دول اروپایی و آمریکا که از مهارت تمام در لگدمال کردن حقوق ابتدایی مردم در خارج از اروپا برخوردارند، با پایمال کردن زندگی قربانیان این جنایت، دولت اسرائیل را باز مورد حمایت قرار دهند.

مسئولین جنایت علیه فعالین و امدادگران، قاتلین مردم بی گناهی که برای کمک رسانی انسانی در آبهای مدیترانه در حرکت بودند، باید محاکمه شوند و پاسخگوی جنایاتشان باشند. دولت اسرائیل باید بلاواسطه به محاصره اقتصادی غزه پایان دهد. این حداقل خواستی است که باید در مقابل این تعرض به دولت اسرائیل و حامیانش در غرب تحمیل کرد.

دولت اسرائیل باید بلافاصله به سرکوب مردم فلسطین و بیحقوقی رسمی آنها پایان دهد. تنها اعلام فوری صلح و ایجاد یک دولت فلسطینی در جوار اسرائیل، حاکمیت دو دولت غیر قومی، غیر مذهبی و سکولار در اسرائیل و فلسطین میتواند به این تروریسم رسمی که ریشه در نفرت قومی و مذهبی، شکاف جهان عرب و یهودیت دارد، پایان دهد. کینه و نفرت قومی که بیش از هر چیز وسیله حفظ سلطه ارتجاعی دول بورژوازی در خاورمیانه است. تنها ایجاد دو دولت سکولار، غیر مذهبی و غیر قومی در فلسطین و اسرائیل میتواند شرایط را برای مردم و طبقه کارگر در فلسطین برای دستیابی به آزادی و برابری، در اتحاد با طبقه کارگر در اسرائیل فراهم کند.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۱ خرداد ۸۹- اول ژوئن ۲۰۱۰

## زنده باد کارگران بنادر سوئد

خالد حاج محمدی

در اعتراض به یورش جنایتکارانه ی نیروهای اسرائیلی به کشتی های امداد رسانی مردم غزه و کشتن و زخمی کردن تعدادی از امداد رسانی و بازداشت چند صد نفر باقیمانده، موجی از تنفر و اعتراض در سراسر دنیا علیه گردن کشتی و قلدردی دولت اسرائیل به راه افتاد. مردم معترض در تظاهراتی خیابانی اروپا، آمریکا، اسرائیل و خاورمیانه نفرت خود را از توحش آشکار دولت فاشیستی اسرائیل نشان دادند. اما در این میان تصمیم اتحادیه کارگران بنادر سوئد در بلوکه کردن کشتی ها و کالاهای اسرائیل نمونه بارز اعتراض طبقه کارگر با اتکا به قدرت خود بود. اتحادیه کارگران بنادر سوئد اعلام کرد: حرکت کشتی ها و عبور کالا از و به به مقصد و از میدا اسرائیل را بلوکه خواهد کرد. زمان پیش بینی شده برای این امر از ۱۵ تا ۲۵ ژوئن اعلام شده است. شرط تعیین شده برای عدم انجام این اقدام، بررسی حادثه، مجازات عاملان و مسببین این حادثه و لغو محاصره ی غزه از سوی اسرائیل عنوان شده است. مدیر اتحادیه بنادر سوئد که نصف کل کارگران بنادر سوئد را نمایندگی میکند گفته است: این اتحادیه با دیگر اتحادیه ها و سندیکاها در سطح بین المللی تماس گرفته و امیدوار است که آنها نیز به این اقدام بپیوندند.

اقدام کارگران سوئد در شرایطی که دول غربی و شورای امنیت مشغول چرتکه انداختن دیپلماتیک و محاسبات ریاکارانه در مقابل این جنایت هستند، هنگامی که حقوق بشر و موازین بین المللی اعلام شده آنها در مقابل منافع و محاسبات سیاسی و بند و بستهای دیپلماتی شان بیش از پیش رنگ باخته است، هنگامی که دولتهای مرتجعی چون ایران این جنایت و محاصره اقتصادی مردم محروم و بیگناه نوار غزه را دستمایه افزایش کینه و نفرت مذهبی و قومی برای معاملات خود میکنند، کارگران بنادر سوئد، تنفر عمومی بشریت مدرن در سراسر جهان را از تروریسم دولتی اسرائیل، از زوال دول غربی، از چهره کریه و ریاکار مراجع بین المللی بورژوازی را نمایندگی میکنند. کارگران بنادر سوئد اعلام میکنند که راه بشریت متمدن از راه همه ی این نیروهای ارتجاعی جدا است.

اقدام کارگران سوئد خاطره ی اقدام مشابه کارگران بنادر استرالیا در دوره جنگ خلیج و حمله به عراق، اقدام مشابه کارگران بندر بصره در عراق در دفاع از هم طبقه ایهایشان در فلیپین و حرکت کارگران نفت ایران علیه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی را زنده میکند. کارگران سوئد راه نشان دادند، راه طبقه کارگر و انسان مدرن در مقابل توحش افسار گسیخته دولت اسرائیل و در مقابل سیاست ریاکاری و حقه بازی دولت آمریکا و سایر دولتهای حامی اسرائیل و در مقابل دولتهای مرتجع اسلامی که رنج و محنت و فقر و محرومیت مردم فلسطین را دستمایه معامله و بند و بست خود کرده اند. نشان دادند که طبقه کارگر فقط با اتکا به قدرت خود در فلج کردن ماشین اقتصادی بورژوازی است که میتواند در جدال برای دفاع از انسانیت با قامتی رسا بایستد.

اقدام کارگران سوئد باید سرمشق قرار بگیرد و طبقه کارگر باید از این تجربه و از تجارب کارگران بنادر استرالیا، کارگران بصره در جنوب عراق و کارگران نفت ایران، در اتحاد انترناسیونالیستی خود برای مقابله با تعرض بورژوازی به این طبقه و در جدال و مبارزه طبقاتی خود استفاده کند. امروز طبقه کارگر جهانی در اعتراض و مبارزه خود علیه یورش بورژوازی به سطح معیشت خود بیش از هر زمان به چنین اقدامات ارزشمندی نیازمند است.

زنده باد کارگران بنادر سوئد

## زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران!